

بررسی اثر آشنایی همسایگان بر فرایند انتخاب همسر

A study of neighborhood familiarity effect on mate selection process

Mahmood Bahrani

محمود بحرانی*

Abstract

The aim of this study was to investigate and compare neighborhood communications of Shiraz citizens as a metropolis and four other cities of Fars province in relation to the youth young mate selection process. This hypothesis is examined that the development of the metropolis causes girls to be more anonymous and reduces their chances of marriage. Sample consists of 1100 households selected by stratified random sampling method (700 households in Shiraz and 100 households in each county of the province). Data were collected by structured interviews and analyzed by descriptive statistical methods (t-test, analysis of variance and Pearson correlation). The results showed that there is a significant difference between level of neighboring relationships in Shiraz metropolis and other cities of the province in general. The rate of marriage between neighbors in Shiraz compared to the four other cities was the lowest. Tendency to mate selection among close relatives has been increased in the two sequential generations. Moreover, comparing recent data about never-married women at different ages is also consistent with the hypothesis. A negative correlation coefficient was found between the level of neighboring relationships and percentage of unmarried women at any age levels. These findings are interpreted of verifying the research hypothesis, i.e. girls are more anonymous in metropolitan areas.

Keywords: marriage, neighborhood, mate selection

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه و مقایسه چگونگی پیوندهای همسایگی در میان شهروندان شهر شیراز به عنوان یک کلان‌شهر و چهار شهر دیگر استان فارس در ارتباط با فرایند انتخاب همسر جوانان بوده است. این فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است که توسعه کلان‌شهرها باعث ناشناخته ماندن دختران و کاهش شانس ازدواج آنان می‌شود. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۱۰۰ خانوار بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و به شیوه نمونه‌گیری نظام‌مند (۷۰۰ خانوار از مرکز استان و ۱۰۰ خانوار از هر شهرستان) انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات مورد نظر در قالب یک پرسشنامه و به شکل مصاحبه ساختار یافته جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۲۱ و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t، تحلیل واریانس چند متغیری و ضریب همبستگی پیرسون) مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که ارتباطات همسایگی در کلان‌شهر شیراز با شهرهای دیگر استان به طور کلی تفاوت معناداری دارد، میزان همسرگزینی از میان همسایگان نیز در شهر شیراز نسبت به شهرستان‌های دیگر کمترین میزان بوده است، گرایش به انتخاب همسر در میان اقوام نزدیک در طی دو نسل متوالی افزایش یافته است، مقایسه آمار میزان دختران هرگز ازدواج نکرده در سنین مختلف در سال‌های اخیر گواهی بر تأیید فرضیه تحقیق است و میزان آشنایی همسایگان، با درصد زنان ازدواج نکرده در همه سنین دارای رابطه منفی است. این نتایج در مجموع در راستای تأیید فرض اصلی تحقیق مبنی بر ناشناخته‌تر ماندن دختران در کلان‌شهرها است.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، همسایگی، همسرگزینی

مقدمه

یافتن همسری مناسب برای زندگی زناشویی، از جمله مشکلات جوانان در زمان تصمیم به انتخاب شریک زندگی و اقدام به ازدواج است. یکی از منابع در دسترس برای یافتن همسر جستجو در بین همسایگان است، اما با توسعه شهرها همسایه‌ها با هم بیگانه شده و اغلب شناخت ناچیزی از یکدیگر دارند. گسترش شهرنشینی و بیگانگی شهروندان و همسایگان، از پی‌آمدهای جوامع مدرن است که روابط اجتماعی افراد جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بحث همسایگی از موضوع‌هایی که در جامعه‌شناسی شهری در رابطه با عرصه عمومی^۱ مد نظر قرار گرفته است که در حیات شهری نقش اساسی دارد. روابط و تعاملات شهروندان در بطن این عرصه در حوزه جامعه‌شناسی شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد (سامسون، مورنوف و گانون-رولی، ۲۰۰۲). یکی از بزرگترین تصمیم‌هایی که یک فرد در دوران زندگی‌اش می‌گیرد ازدواج است. انتخاب "فرد درست" برای ازدواج یکی از پرمخاطره‌ترین موضوعات برای افراد مجرد در کلیه کشورها است (لارسون و اولسون، ۱۹۸۹، به نقل از رجبی، فردوسی و داستان، ۱۳۹۰). فرایند انتخاب همسر اغلب برای تعدادی از جوانان دشوار به نظر می‌رسد. تعدادی از انتخاب‌ها ممکن است پیامدهایی داشته باشد که می‌تواند فضای زندگی زوج و ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد (رجبی و همکاران). در ازدواج تعدادی از باورها و نگرش‌های غیرمنطقی در انتخاب همسر دخالت دارند که ما آنها را باورهای محدودکننده انتخاب همسر می‌نامیم (لارسون، ۱۹۹۲، رجبی، پیردایه و خجسته مهر، ۱۳۹۱).

با رشد روزافزون شهرنشینی و تشکیل کلان‌شهرها، جامعه شهری بیش از هر زمانی با مشکل از هم‌پاشیدگی محله یا همسایگی مواجه گردیده است (یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸). طبق نظر برخی محققان پیوندهای همسایگی نیازمند محیط‌های ارزشی است که در آن ارزش‌های اجتماع‌گرایانه بر ارزش‌های فردگرایانه غلبه داشته باشد. با پیشرفت جوامع به سوی صنعتی شدن ارزش‌های اجتماع‌گرایانه تضعیف می‌شود. در جوامع مدرن پیوندهای همسایگی برخی از کارکردهای خود را از دست داده است. در واقع، حمایت‌های اجتماعی همسایگان از یکدیگر در گذشته، یا فعالیت‌های مشترکی که همسایگان در بهبود زندگی یکدیگر می‌کردند، امروزه به دست نهادهای اجتماعی مانند بانک، مدرسه، دانشگاه، مؤسسات عمومی و خدماتی انجام می‌شود. بر خلاف جوامع کوچک و روستایی که روابط بین افراد بر اساس آشنایی قابل توجهی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند در شکل گسترده‌ای جریان دارد، در جوامع بزرگ روابط اجتماعی عموماً در شکل رسمی و محدود صورت می‌گیرد و تماس‌ها و تعاملات افراد در یک مجموعه کوچک‌تر شامل نزدیکان، بستگان و گاهی همکاران می‌شود. تأثیر همسایگی حتی در مشارکت سیاسی هم گوشزد شده است، چنانکه کاویانی‌راد و ویسی (۱۳۸۷) این موضوع را در نهمین انتخابات ریاست جمهوری مؤثر یافته و رأی‌گیری در ایران را دارای سرشت محلی‌گری و قومی دانسته‌اند.

تأثیر عامل بیگانگی و ناشناخته ماندن همسایگان برای یکدیگر در زمینه‌های اجتماعی و امنیتی مورد بررسی قرار گرفته است اما یکی از زمینه‌هایی که کمتر به آن توجه شده همسرگزینی^۱ و شناسایی افراد مورد نظر برای ازدواج جوانان است. ناشناخته بودن افراد برای یکدیگر امر ازدواج را هم در مورد دختران و هم در مورد پسران با مشکل مواجه می‌سازد. اسمالدینو و اسکانک (۲۰۱۱، ص. ۲) با اشاره به فرایند دشوار انتخاب همسر توجه به جنبه‌های جغرافیایی و همسایگی در انتخاب همسر را به‌عنوان دیدگاه جدید تسهیل همسریابی مطرح کرده‌اند. بدیهی است عدم شناخت کافی افراد جامعه موجب می‌شود تا انتخاب افراد مناسب برای همسری دشوار گردد و حتی برخی ازدواج‌ها را به شکست بکشاند، چراکه افراد پس از ازدواج متوجه می‌شوند در انتخاب خود اشتباه کرده‌اند و گزینه انتخابی، با آنچه ایده‌آل‌شان بوده تفاوت زیادی دارد.

تحولات اجتماعی ایران در چند دهه گذشته باعث شده نقش سنت و مدرنیته در همسرگزینی تغییر زیادی پیدا کند چنان‌که طبق بعضی تحقیقات از دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۷۰ میزان انتخاب توسط شخص از ۱۷/۵ درصد به ۶۸/۲ درصد افزایش یافته است و در مقابل از نقش خانواده‌ها و خویشاوندان کاسته شده است (آزادارمکی، ۱۳۸۶). ازدواج‌های تحمیلی از سوی خانواده‌ها ممکن است نتایج زیان‌باری را در پی داشته باشد که شکست ازدواج و انحرافات اجتماعی از آن جمله است (علیایی‌زند، ۱۳۸۱). اردلان، سیدان و ذوالفقاری (۱۳۸۵) در مطالعه علل فرار گروهی از زنان ازدواج کرده از منزل شوهران خود به عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرده‌اند. آنان از جمله این عوامل را حق انتخاب زنان در گزینش همسر تشخیص دادند که تنها کمتر از ۱۰٪ زنان فراری با علاقه خود و رضایت خانواده ازدواج کرده بودند.

بورديو (۲۰۰۱) برای انسان‌ها سه نوع سرمایه در نظر می‌گیرد که عبارتند از: سرمایه اقتصادی^۲، سرمایه اجتماعی^۳ و سرمایه فرهنگی^۴. از این سه نوع، آنچه در این تحقیق مورد بحث است سرمایه اجتماعی است که به روابط همسایگی و تأثیر آن بر نرخ ازدواج اشاره دارد. بورديو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از تماس‌ها، روابط، دوستی‌ها و دین‌ها تعریف می‌کند که به پیوندهایی که او را به افراد دیگر وصل می‌کنند وزن اجتماعی می‌بخشد و این وزن می‌تواند بر حسب عامل و کیفیت شبکه‌های ارتباطی کم و بیش سنگین، و دارای قدرت کنش و واکنشی کم و بیش زیاد باشد (شویره، و فونتین^۵، ۱۳۸۵، به نقل از منادی، ۱۳۸۶). نوغانی، صدیق اورعی و سالار (۱۳۹۲) با استناد به مدل اقتصادی موون و مینور (۲۰۰۱) فرایند ازدواج را شبیه به فرایند تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی توصیف کرده‌اند که در آن پنج مرحله شامل تشخیص مسأله، جستجو، ارزیابی بدیل‌ها، انتخاب و ارزیابی پس از اکتساب طی می‌شود.

1. mate-selection
2. economique capital
3. social capital
4. cultural capital
5. Shvyrh & Fontaine

طبق نظر موون و مینور (۲۰۰۱) تشخیص مسأله زمانی رخ می‌دهد که بین وضع موجود و وضع مطلوب ناهمخوانی پیش می‌آید و مصرف‌کننده به فکر چاره‌جویی می‌افتد. سپس جستجو برای کالاهایی که می‌توانند مشکل را رفع کنند آغاز می‌شود، آنگاه به مقایسه گزینه‌های موجود برای تصمیم‌گیری می‌پردازد و در مرحله انتخاب مصرف‌کننده دست به گزینش می‌زند. مرحله ارزیابی پس از اکتساب است که فرد در واقع اقدام به ارزیابی پیامدهای انتخاب خود می‌کند.

بنابراین همسایگی در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی سهم بسزایی دارد. همچنان‌که تضعیف شبکه‌های همسایگی در کلان‌شهرها موجب نگرانی‌هایی در بعد اجتماعی شده است، تضعیف پیوندهای اجتماعی بخصوص در عرصه عمومی و حیات شهری توجه محققان را به خود جلب نموده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸). از جمله عوامل انسجام بخش روابط همسایگی، متغیرهایی چون استفاده از فناوری اطلاعات، در دسترس بودن منابع و ظرفیت‌های بیشتر، تأهل، تحصیلات بالا، جنسیت- زنان به همسایگی بیشتر اهمیت می‌دهند، سن- افراد مسن فرصت بیشتری برای این کار دارند، مدت اقامت و ثبات در سکونت هستند. درمقابل عواملی چون عدم تجانس فرهنگی و زبانی، ساختار شبکه و حجم روابط خارج از همسایگی، شلوغی و سر و صدا، وضعیت نامناسب اقتصادی ساکنان به‌عنوان عوامل بر هم زننده انسجام همسایگی شناخته شده‌اند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

تحقیقات صورت گرفته در ایران پیرامون موضوع ازدواج جوانان، به زوایای مختلفی از این موضوع پرداخته‌اند، برخی محققان رابطه انتخاب همسر با تجددگرایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. به‌طور نمونه، ساروخانی و مقریبیان (۱۳۹۰) با بررسی این موضوع، بین همسرگزینی و انتخاب همسر فرق قائل شده و در یافتن همسر با تأکید بر نقش پر رنگ‌تر جوانان برای انتخاب همسر خود، آن را ناشی از اثر تجددگرایی دانسته‌اند، ولی در بخش انتخاب همسر به‌طور سنتی خانواده‌ها را فعال‌تر دانسته‌اند.

ترجیحات انتخاب همسر در نسل‌های جدید به نحو فزاینده‌ای در جهت هم‌رنگ شدن و فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی و قومی است بطوری‌که تفاوت‌های قومی در حال کم‌رنگ شدن است (رجبی، ابراهیمی و خجسته‌مهر، ۱۳۹۰). اینها همگی بر نرخ ازدواج‌ها اثر می‌گذارند. بنگاه‌های ازدواج و ارتباطات اینترنتی اگر چه در جوامع صنعتی دنیا به موضوع انتخاب همسر کمک کرده است اما در ایران به دلیل تفاوت‌های فرهنگی هنوز جایگزین مناسبی برای شناخت افراد به نظر نمی‌رسند چون راه‌های قابل اعتمادی به حساب نمی‌آیند. شاید به همین دلیل باشد که پژوهش‌های دیگر نقاط دنیا به موضوع همسایگی در انتخاب همسر ازدواج نپرداخته‌اند.

رویکردهای تحقیقاتی در مورد ازدواج جوانان در ایران متفاوت است. برخی بررسی علل و عوامل مرتبط با این موضوع را از جنبه‌های جمعیتی پرداخته‌اند. جعفری مؤدهی (۱۳۸۲) تغییر ساختار سنی و جنسیتی جمعیت را در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ یکی از دلایل مهم اختلال در ازدواج برای سال‌های بعد دانسته و به پیش‌بینی اثرات آن در سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ پرداخته است. طبق این تحلیل پدیده‌هایی مانند مهاجرت مردان جوان روستایی به شهرها برای کار یا ازدواج مردان با زنان جوان‌تر و ترجیح جنسیتی

فرزند (مانند چین) موجب عدم تعادل وضعیت ازدواج می‌شود و این تحول جمعیتی در سال‌های ۱۳۷۹-۸۹ اثر خود را بر افزایش زنان هرگز ازدواج نکرده خواهد گذاشت. طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور، متوسط سن ازدواج مردان ۲۵/۶ و متوسط سن ازدواج زنان ۲۲/۴ سال بوده است (امانی، ۱۳۸۰). دیدگاه‌های عمومی افراد جامعه درباره سن مناسب برای ازدواج جوانان نیز در همین راستا است، چنانکه عسکری ندوشن، عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۸) با مقایسه دیدگاه‌های نسل مادران و دختران پیرامون جنبه‌های مختلف ازدواج، دریافته‌اند که هر دو نسل در مورد سن مناسب برای ازدواج پسران توافق نظر دارند. یافته‌های عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) در مورد سن مناسب برای فرزندآوری و میزان فاصله بین فرزندان نیز توافق نسبی بین دو نسل را نشان داد، اما نسل مادران همواره سن کمتری را پیشنهاد کرده‌اند.

امانی (۱۳۸۰) با استناد به خرده نظام بخش اقتصادی نظریه پارسونز، عامل شغل را در افزایش سن ازدواج در جوامع مدرن مؤثر دانسته است. نتایج تحقیق صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) نیز در همین راستا بوده و گویای آن است که جوانان داشتن شغل و برخورداری مالی را اصلی‌ترین پیش شرط ازدواج می‌دانند. آنان همچنین پیدا نکردن فرد مناسب و نداشتن حق انتخاب برای دختران که از آن به‌عنوان نابرابری جنسی در فرایند ازدواج یاد شده است را از موانع ازدواج برشمرده‌اند. نتایج تحقیقات زیادی حاکی از آن است که تفاوت جنسی در ترجیحات انتخاب همسر وجود دارد. در این رابطه جوانی و جذابیت برای مردان بیش از زنان مهم است و توان مالی و بلندپروازی، بیشتر مورد توجه زنان قرار می‌گیرد تا مردان. (اسپرچر، سالیوان و هاتفیلد، ۱۹۹۴؛ وایدومن و آلجیر، ۱۹۹۲). قاسمی تودشکچوبی، معتمدی، اسدالهی و مالک (۱۳۸۴) ملاک‌های انتخاب همسر داوطلبان ازدواج را در بدو ازدواج و یک سال بعد از ازدواج مورد مقایسه قرار دادند. آنان دریافته‌اند که با وجود تفاوت دیدگاه‌های دختران و پسران در قبل از ازدواج اما با گذشت زمان دیدگاه‌های دختران و پسران درباره معیارهای ازدواج به هم نزدیک شده است. چنانکه قبل از ازدواج، پسران بیشتر به ویژگی‌های ظاهری مانند زیبایی، تناسب اندام، رنگ پوست، سن و نیز امکانات رفاهی و مهریه دختران اما دختران بیشتر بر ویژگی‌هایی مانند عشق، رفتار، ارتباطات اجتماعی، تشابه فرهنگی تحصیلات و درآمد پسر توجه داشتند، و پس از یک سال ازدواج در بیشتر موارد به اشتراکات بیشتری دست پیدا کردند. موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) با بررسی نگرش نمونه‌ای از دختران دانشجو پیرامون رابطه بین دختر و پسر به روابط پیش از ازدواج دریافته‌اند که دختران بیشتر متمایل به ارزش‌های سنتی و دینی بوده و نگرش آنان نسبت به روابط پیش از ازدواج از دیدگاه اغلب آنان منفی بود تا مثبت. باس و انگلیتیر (۱۹۸۹) دریافته‌اند مردان آلمانی به سلیقه‌های خانه‌داری زنان و مردان آمریکایی به جذابیت ظاهری آنان بیشتر توجه می‌کنند. از سوی دیگر، برخی تحقیقات (بیلوت و فرانسسکونی، ۲۰۰۶) نشان می‌دهد که فرصت‌های ازدواج بر ترجیحات مورد نظر افراد برای انتخاب همسر سبقت می‌گیرند. افراد همواره ترجیحاتی مانند سن و جذابیت فیزیکی (اندازه قد، وزن و غیره) را در انتخاب همسر مد نظر قرار می‌دهند ولی فرصت‌های ازدواج بر این ترجیحات سبقت می‌گیرند.

در بسیاری از جوامع مانند آمریکا میلیون‌ها نفر افراد بزرگسال مجرد بوده و در پی یافتن شریکی برای زندگی و ازدواج هستند اما حتی از همسایگان خود هم شناختی ندارند. به دلیل گسترش ارتباطات مجازی تماس‌ها و تعاملات اجتماعی رو در رو کاهش یافته (نای و هیلینگوس، ۲۰۰۲) و حتی گوشه‌گیری و افسردگی را دامن زده است (کتز، ۱۹۹۷). بعضی بررسی‌ها نشان می‌دهد که یافتن شریک زندگی از طریق اینترنت در کشورهای صنعتی مانند آمریکا بر روش‌ها معمول پیشی گرفته است. نتایج تحقیق روزنفلد و توماس (۲۰۱۲) این موضوع را تأیید می‌کند هر چند یافته‌های آنان در چارچوب فرهنگی جامعه مرجع پیرامون تسهیل اینترنت برای هم‌جنس‌گرایان بود نه زوج‌های عادی.

موضوع همسریابی بخصوص از جنبه فرایندی، کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است، از جمله در مورد نحوه پیدا کردن گزینه مناسب توسط جوانان اطلاعات منسجم و علمی وجود ندارد. فرض بر این است که ناشناخته ماندن افراد موجب از دست دادن فرصت‌های ازدواج می‌شود. این موضوع بخصوص بر دختران بیشتر اثر می‌گذارد، زیرا آنان در امر ازدواج نقش انفعالی دارند و بر طبق سنت رایج بایستی منتظر بمانند تا از سوی مردی خواستگاری شوند. ناشناخته ماندن آنان باعث می‌شود فرصت‌ها را از دست بدهند و شانس انتخاب شدن برای آنان کمتر شود. محدودیت دوره زمانی باروری که فرزندآوری زنان را به سنین زیر ۴۵ سالگی محدود می‌سازد نیز شانس از دست دادن فرصت ازدواج را در زنان افزایش می‌دهد. با پیچیده‌تر شدن جوامع شناخت افراد از یکدیگر کمتر شده و روش‌های انتخاب سنتی ازدواج کارکرد خود را از دست می‌دهند. بنابراین چنانچه راه‌های جدیدی در این زمینه وجود نداشته باشد، امکان اینکه جمع بیشتری از دختران جوان ناشناخته بمانند افزایش می‌یابد و میزان نسی ازدواج نکرده در طول عمر برای این گروه بالا می‌رود. از آنجا که سن مطلوب ازدواج و فرزندآوری محدود به سنین خاصی است و همچنین با افزایش سن به تدریج طراوت و جذابیت زنان از دست می‌رود، دختران شرایط حادثتری داشته و از این ناشناخته ماندن، آسیب بیشتری نسبت به مردان می‌بینند. تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر نیز به این معضل افزوده شده و تعادل ازدواج را به هم زده است (امانی، ۱۳۸۰؛ جعفری‌مژده‌ی، ۱۳۸۲).

چنانکه از بررسی مطالعات یاد شده مشاهده می‌شود، با وجود مطالعات متعدد پیرامون ازدواج جوانان در ایران، یکی از موارد که به آن پرداخته نشده است بحث همسریابی از بین همسایگان است. این موضوع با توجه به گسترش شهرنشینی و جامعه رو به توسعه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. از آنجا که گرایش‌های اخیر جوانان به سمت برون‌همسری و بسط دایره ازدواج به محدوده خارج از خویشاوندان است (آزادارمکی، ۱۳۶۹؛ اسماعیلی، قاسمی و فخاری، ۱۳۸۸)، بنابراین پیچیدگی جوامع و ناآشنایی یک مانع در راه ازدواج جوانان فرض می‌شود. با قبول این فرض، مجرد ماندن زنان در شهرهای بزرگ باید بیشتر نمایان باشد و به نسبت شهرهای کوچک میزان افراد ازدواج نکرده در این گروه بیشتر باشد. تحقیق حاضر بدنبال آزمایش این فرض است. هدف کلی این طرح پژوهشی بررسی رابطه فرصت‌های ازدواج با میزان شناخت همسایگان از یکدیگر است. هدف کلی این بررسی رابطه فرصت‌های ازدواج با میزان شناخت همسایگان از یکدیگر است. بر این اساس سؤال‌های اصلی تحقیق به شرح زیر

است: ۱- میزان آشنایی همسایگان از یکدیگر چگونه است؟ ۲- میزان آشنایی با همسایگان (با کنترل مدت زمان سکونت در محل) در شهرستان‌های کوچک در مقایسه با کلان‌شهر شیراز چگونه است؟ ۳- انتخاب همسر از بین همسایگان در شهرستان‌های کوچک در مقایسه با کلان‌شهر شیراز به چه میزان است؟ ۴- گرایش به انتخاب همسر از بین همسایگان در دو نسل متوالی (والدین و فرزندان) چگونه بوده است؟ ۶- در ملاک‌های انتخاب همسر با گذشت زمان چه تغییری حاصل شده است؟ و ۷- آیا میزان آشنایی همسایگان بر آمار افراد ۴۰ ساله و بالاتر ازدواج کرده و ازدواج نکرده در شهرستان‌های مختلف تأثیر دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر پیمایشی است، در این پژوهش ضمن مطالعه وضعیت آشنایی همسایگان در شهرهای مختلف همچنین مقایسه‌هایی بین گروه‌های شهروندان شهرستان‌های کوچک و بزرگ از لحاظ چگونگی ارتباطات همسایگی به عمل آمده تا اثر آن بر آمار افراد ازدواج نکرده‌ی در سنین ازدواج معلوم گردد. در عین حال بخشی از اطلاعات پژوهش به صورت اسنادی و از سالنامه‌های آماری جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی این تحقیق شامل خانوارهای استان فارس بودند. نمونه‌گیری به صورت چندمرحله‌ای هدفمند انجام گرفت که در آن شهر شیراز به‌عنوان یک کلان‌شهر و چهار شهر کوچک (آباد، لار، نورآباد و داراب) از میان شهرهای نقاط مختلف جغرافیایی این استان به‌عنوان نمونه به صورت هدفمند انتخاب شدند. سپس به‌طور تصادفی تعدادی از محله‌ها در هر یک از شهرستان‌های برگزیده، انتخاب شدند و اطلاعات مورد نیاز از آنها جمع‌آوری گردید. نمونه‌گیری از هر بخش در چارچوب بلوک‌های ساختمانی به صورت نظام‌مند صورت گرفته است. کوچکترین واحد نمونه‌گیری خانوار بود. حجم نمونه در این تحقیق ۱۱۰۰ خانوار بوده و نمونه مورد مطالعه شامل ۷۰۰ خانوار از مرکز استان و ۴۰۰ خانوار از شهرستان‌های چهارگانه با حجم برابر بود. به شرکت‌کنندگان در مصاحبه اطمینان داده شد که پرسشنامه بدون نام بوده و اطلاعات آنان محرمانه تلقی خواهد شد و به صورت جمعی تحلیل می‌شود.

ابزار اندازه‌گیری

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از مصاحبه با فرم سؤال‌های بسته در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. سؤال‌های این پرسشنامه در مورد میزان آشنایی با همسایگان و دیگر متغیرهای تحقیق طرح شدند. روایی صوری سؤال‌های پرسشنامه قبل از اجرا با نظرخواهی از متخصصان بررسی شد و از لحاظ سنجش موضوع مورد تأیید قرار گرفت.

مقیاس آشنایی. مقیاس آشنایی یک مقیاس محقق ساخته متشکل از ۶ سؤال ۵ گزینه‌ای درباره میزان آشنایی، رفت و آمد و صمیمیت با همسایگان خود بود. نمونه سؤال‌ها: "چه تعدادی از همسایه‌ها را

به اسم می‌شناسید؟" گزینه‌های جواب نیز شامل: هیچکدام، کمتر از ۳، ۳-۷، ۸-۱۰، ۱۰-۱۵ و بیشتر از ۱۵ بود. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۹ بدست آمد.

مقیاس ملاک‌های انتخاب همسر. این مقیاس که با استفاده از مقیاسی در همین زمینه (رفایی، ثنایی ذاکر، شفیع‌آبادی و شریفی، ۱۳۸۹) ساخته شده و شامل ۲۵ ماده از قبیل میزان اهمیت سن همسر، شغل، تحصیلات، قومیت، نداشتن همسر یا رابطه قبلی و پرهیز از سیگار و مشروب و غیره است. پاسخگو نظر خود را در دو بخش برای زمان قبل از ازدواج و زمان فعلی به شکل ۵ گزینه‌ای (۱= بی‌اهمیت ۲ = کم اهمیت، ۳ = متوسط، ۴ = مهم و ۵ = بسیار مهم) بیان می‌کند. مؤلفان آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۸ و روایی سازه آن را با قدرت تبیین ۷۵ درصد واریانس کل در دو بعد محتوایی و فرآیندی گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۴ بدست آمد.

روند اجرای پژوهش

جمع‌آوری اطلاعات بوسیله مصاحبه مستقیم توسط افراد مجرب که علاوه بر تجربه قبلی برای انجام این مصاحبه نیز آموزش دیده بودند صورت گرفت. در هر شهرستان با توجه به نقشه شهر و تقسیم‌بندی بر اساس بخش‌های جغرافیایی تعدادی بلوک در هر بخش در نظر گرفته می‌شد و با توجه به حجم مورد نظر از نمونه، بصورت نظام‌مند مورد پرسشگری قرار می‌گرفتند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به تناسب از شیوه‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده، و با ترسیم نموداری و استفاده از تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی تست به توصیف و مقایسه نتایج پرداخته شده است. همچنین داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۲۱ تحلیل شدند.

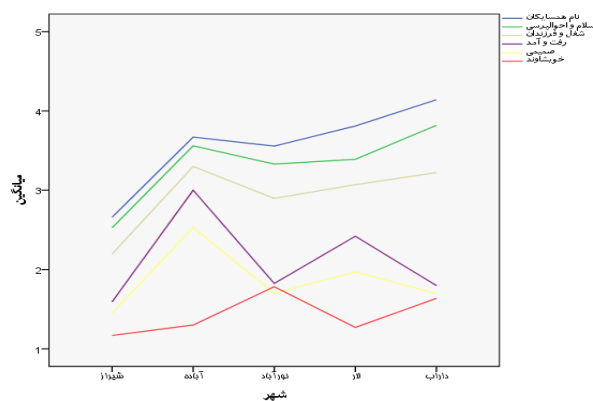
یافته‌ها

مصاحبه شونده‌گان در این نمونه متشکل از ۶۳/۷ درصد زنان و ۳۶/۳ درصد مردان؛ ۳۹/۷ درصد پاسخ‌گویان از سرپرستان خانوارها؛ ۵۵/۵ درصد همسر و ۵/۳ درصد نیز از فرزندان یا سایر بستگان بودند میانگین سن پاسخگویان ۴۱/۶ سال، مدت ازدواج ۱۹/۵ سال و تعداد فرزندان آنها ۳/۴ بود.

میزان آشنایی همسایگان

میزان آشنایی شهروندان از همسایگان خود در چند بخش مورد پرسش قرار گرفت. چگونگی پاسخ افراد به تفکیک شهرهای مختلف نمونه تحقیق در نمودار ۱ نشان داده شده است.

عناوین موضوع‌های مورد پرسش در کنار نمودار درج شده است و به ترتیب از بالا به پایین در این نمودار ترسیم شده‌اند. دقت در این نمودار نشان می‌دهد که هر چه سطح اطلاعات مورد پرسش در باره همسایگان بالاتر می‌رود میزان آشنایی و آگاهی افراد در آن باره کمتر می‌شود. به عبارت روشن‌تر میزان شناخت افراد در مواردی مثل دانستن اسم همسایگان (نمودار بالایی) بیشتر است و در نمودارهای پایین‌تر که شامل، سلام و احوال‌پرسی، شناخت از شغل و فرزندان، رفت و آمد، صمیمیت و خویشاوندی است، میزان روابط کاهش دارد.



نمودار ۱

شاخص‌های مختلف آشنایی همسایگان به تفکیک شهرهای مختلف نمونه

تفاوت میزان آشنایی شهروندان کلان‌شهر شیراز با سایر شهرستانها به وسیله شیوه تحلیل واریانس چندمتغیری مورد بررسی قرار گرفت. مقدار آزمون لامبدای ولیکز برابر ۰/۴۲۴ بدست آمد، مقدار F مربوط به آن ۴۱/۲۱ در سطح $p \leq ۰/۰۰۱$ معنادار و حاکی از تفاوت ترکیب خطی متغیرهای وابسته در شهرهای مختلف بود (جدول ۱). همچنین، آزمون پیش‌فرض‌های این تحلیل به کمک آزمون‌های ام‌باکس و لوین نشان دهنده برابری واریانس خطا در بین گروه‌ها بود.

جدول ۱

نتایج تحلیل واریانس تفاوت میزان آشنایی شهروندان کلان‌شهر شیراز با سایر شهرستانها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
شهر	آشنایی با نام همسایگان	۳۲۸/۶۹	۴	۸۲/۱۷	۱۰۶/۵۹	۰/۰۰۱
	سلام و احوال‌پرسی	۲۵۳/۶۴	۴	۶۳/۴۱	۹۹/۴۴	۰/۰۰۱
	اطلاع از شغل و تعداد فرزندان	۲۱۶/۵۸	۴	۵۴/۱۴	۹۲/۲۵	۰/۰۰۱
	رفت و آمد داشتن	۲۰۶/۸۰	۴	۵۱/۲۰	۱۲۵/۹۶	۰/۰۰۱
	صمیمیت و درد دل کردن	۱۱۲/۲۹	۴	۲۸/۱۶	۸۸/۸۹	۰/۰۰۱
	خویشاوند بودن	۴۲/۲۶	۴	۱۰/۵۶	۳۲/۰۷	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، که در همه شاخص‌های منظور شده برای آشنایی تفاوت معناداری بین حداقل یک جفت از زیرگروه‌ها وجود دارد. پیگیری تفاوت‌ها با استفاده از آزمون شفه نشان داد که میزان آشنایی شهروندان شیرازی در همه شاخص‌های آشنایی به جز شاخص خویشاوند بودن، به‌طور معناداری از همه شهرستان‌های دیگر کمتر است. این برجسته‌ترین نتیجه تحلیل واریانس بوده است هر چند تفاوت‌هایی بین زیرگروه‌های دیگر نیز وجود داشت. مثلاً، میزان خویشاوندی با همسایگان در نورآباد ممسنی از همه شهرستانهای دیگر بالاتر بود.

مقایسه ملاک‌های گزینش همسر در زمان ازدواج و زمان حال

به منظور اطلاع از تغییرات دیدگاه‌های پاسخگویان در باره ملاک‌های انتخاب همسر بعد از ازدواج، این تغییرات روی ۲۵ ملاک مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت، به این ترتیب که از آزمودنی‌ها خواسته شد اهمیت ۲۵ ملاک مختلف مانند سن همسر، شغل، جذابیت، سلامت، تحصیلات، عفت، پرهیز از مواد مخدر و مشروبات و اصالت خانوادگی را روی یک مقیاس ۵ گزینه‌ای (از بی‌اهمیت = ۱ تا بسیار با اهمیت = ۵) در دو بعد زمانی - یکی در زمان ازدواج و دیگری برای زمان کنونی - معین کنند. نتایج حاصل از این مقایسه گویای آن است که ملاک‌های افراد پس از ازدواج سختگیرانه‌تر شده است. بطوری که میانگین و انحراف معیار نمره مربوط به ملاک‌های انتخاب همسر در زمان کنونی ($M = 4/29$ ، $S = 0/27$) نسبت به میانگین این نمره در هنگام ازدواج ($M = 3/92$ ، $S = 0/37$) افزایش داشته و این تفاوت معنادار بوده است ($t = 33/31$ ، $P < 0/001$).

پیگیری تفاوت بین میانگین ملاک‌های انتخاب همسر در هنگام ازدواج و زمان حال از جنبه اثر جنسیت پاسخگو نشان داد که نمرات دو جنس در هر یک از این دو مقطع زمانی و نیز از لحاظ میزان تغییر طی زمان، به هم نزدیک بوده و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. علاوه بر این، میانگین ملاک‌های انتخاب همسر در هنگام ازدواج و زمان حال برای شهروندان شهرهای مختلف محاسبه شد (جدول ۲).

جدول ۲

میانگین ملاک‌های انتخاب همسر به تفکیک شهر و دو زمان

شهر	اکنون	زمان ازدواج	میزان تغییر
شیراز	۴/۲۵	۳/۹۰	۰/۳۵
آباد	۴/۲۹	۳/۹۷	۰/۳۲
نورآباد	۴/۲۷	۳/۸۸	۰/۳۹
لار	۴/۵۷	۴/۱۳	۰/۴۴
داراب	۴/۳۱	۳/۸۹	۰/۴۲

همچنین با استفاده از شیوه تحلیل واریانس، میانگین نمرات شهروندان شهرهای مختلف از لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر مورد مقایسه قرار گرفت که نشان دهنده تفاوت معنادار آزمون F است ($F = ۲۷/۵$ ، $P \leq ۰/۰۰۱$). پیگیری تفاوت بین میانگین‌ها به صورت مقایسه جفتی نشان داد که عمده تفاوت معنادار بین دیدگاه‌های شهروندان لار با سایر شهرهای استان فارس است (جدول ۳) که هم در ملاک‌های هنگام ازدواج و هم در ملاک‌های زمان حال دیدگاه‌های سختگیرانه‌تری را اظهار داشتند. ضمن اینکه میزان تغییر هم در این گروه از همه بالاتر بوده است. به منظور پرهیز از طولانی شدن مطلب از آوردن موارد غیر معنادار در این جدول خودداری شده است.

جدول ۳

پیگیری تفاوت بین جفت میانگین‌ها

ملاک	شهر	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪	
				سطح معناداری	کرانه پایین کرانه بالا
اکنون لار	شیراز	* ۰/۳۱	۰/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۲۳ - ۰/۴۰
	آباده	* ۰/۲۸	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۱۸ - ۰/۴۰
	نورآباد	* ۰/۳۰	۰/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۱۹ - ۰/۴۱
	داراب	* ۰/۲۶	۰/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۱۵ - ۰/۳۷
	شیراز	* ۰/۲۴	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۱۱ - ۰/۳۶
هنگام ازدواج لار	آباده	* ۰/۱۶	۰/۰۵	۰/۰۵۵	-۰/۰۱ - ۰/۳۳
	نورآباد	* ۰/۲۵	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۹ - ۰/۴۱
	داراب	* ۰/۲۵	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۹ - ۰/۴۱

سن مناسب برای ازدواج دختر و پسر

از آزمودنی‌ها درباره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران نظرسنجی به عمل آمد. همان‌طور که انتظار می‌رفت به‌طور کلی آزمودنی‌ها برای ازدواج دختران سن پایین‌تری را ($M=۲۲/۱۰$ ، $S=۲/۴۸$) نسبت به پسران ($M = ۲۵/۹۲$ ، $S = ۲۵/۹۲$) مناسب می‌دانند و این تفاوت در سطح بالایی ($t = ۶۸/۵۰$ ، $P < ۰/۰۰۰۱$) معنادار است. جدول ۴ دیدگاه‌های شهروندان شهرهای مختلف در مورد سن ازدواج دختران و پسران را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، هم در مورد سن دختران و هم سن پسران میزان آزمون F بدست آمده نشان دهنده تفاوت معناداری بین برخی از میانگین‌ها است. نتایج پیگیری آزمون جفتی شفه نشان داد از یک‌سو تفاوت معناداری بین دیدگاه شهروندان شیرازی با شهروندان لار و آباده در مورد سن مناسب برای ازدواج پسران وجود دارد چنان‌که شیرازی‌ها سن بالاتری را مناسب دانسته‌اند؛ همچنین بین دیدگاه شهروندان لاری با دارابی نیز تفاوت معناداری در این مورد وجود دارد که لاری‌ها سن کمتری را برای ازدواج پسران مناسب می‌دانند. از سوی دیگر، نتایج آزمون پیگیری شفه نشان دهنده تفاوت معنادار بین دیدگاه شهروندان شیرازی با شهروندان آباده و نورآباد در مورد سن دختران است که

شیرازی‌ها باز هم سن بالاتری را برای ازدواج دختران مناسب می‌دانند. سایر شهرها از این لحاظ با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

جدول ۴

میانگین دیدگاه شهروندان شهرهای مختلف در باره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران

شهر	میانگین	دختران	پسران
شیراز	میانگین	۲۲/۴۲	۲۶/۲۳
	تعداد	۶۹۸	۶۹۵
	انحراف معیار	۲/۶۳	۲/۷۰
آباده	میانگین	۲۱/۲۹	۲۵/۰۳
	تعداد	۱۰۰	۱۰۰
	انحراف معیار	۱/۷۰	۱/۶۹
نورآباد	میانگین	۲۱/۲۸	۲۵/۸۴
	تعداد	۸۸	۸۷
	انحراف معیار	۲/۲۶	۲/۸۱
لار	میانگین	۲۱/۷۶	۲۴/۵۴
	تعداد	۱۰۰	۱۰۰
	انحراف معیار	۲/۳۳	۲/۳۹
داراب	میانگین	۲۱/۸۳	۲۶/۰۷
	تعداد	۱۰۰	۱۰۰
	انحراف معیار	۱/۸۹	۲/۳۳
جمع کل	میانگین	۲۲/۱۱	۲۵/۹۲
	میانه	۲۲	۲۵
	دامنه	۱۵-۳۰	۲۰-۳۵
	تعداد	۱۰۸۶	۱۰۸۲
	انحراف معیار	۲/۴۸	۲/۶۲

جدول ۵

نتایج تحلیل واریانس دیدگاه‌های شهروندان شهرهای مختلف در باره سن مناسب ازدواج جوانان

گروه‌ها	منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجموع مجزورات	آزمون F	سطح معناداری
پسران	بین گروهی	۳۳۸/۷۲	۴	۸۴/۶۸	۱۲/۸۶	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۷۰۹۴/۶۳	۱۰۷۷	۶/۵۹		
	کل	۷۴۳۳/۳۵	۱۰۸۱			
دختران	بین گروهی	۲۱۳/۰۹	۴	۵۳/۲۷	۸/۹۵	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۶۴۳۲/۵۲	۱۰۸۱	۵/۹۵		
	کل	۴۵۶۶/۶۱	۱۰۸۵			

همچنین دیدگاه‌های زنان و مردان پاسخگو در باره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران مورد بررسی قرار گرفت که تفاوت معناداری بین آنها وجود نداشت. به عبارت دیگر، جنسیت آزمودنی‌ها بر دیدگاه آنان در باره سن ازدواج دختران و پسران اثری نداشته است.

مقایسه آمار ازدواج در شهرستان‌های مختلف

در ادامه این بحث و برای پاسخ به سؤال تحقیق درباره اینکه آیا میزان آشنایی همسایگان بر آمار افراد ۴۰ ساله و بالاتر ازدواج کرده و ازدواج نکرده در شهرهای مختلف تأثیر دارد، به بررسی و مقایسه آمارهای ازدواج در شهرستان‌های مورد مطالعه می‌پردازیم. این آمارها از سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ بدست آمده است که از نظر زمانی نزدیکی بیشتری به زمان جمع‌آوری داده‌های این پژوهش داشته است. اگر سنین بالای ۳۰ سال را برای ازدواج جوانان سنین بحرانی تلقی کنیم که در واقع افراد از دوره جوانی خود فاصله گرفته اما هنوز ازدواج نکرده‌اند، نگاهی به آمار سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰ حکایت از مشکل جدی در این باره دارد. در جدول ۶ آمار مردان هرگز ازدواج نکرده را مشاهده می‌کنید که طبق آن در سنین ۳۴ - ۳۰ سال درصد نسبی مردان هرگز ازدواج نکرده در شهرستان نورآباد (۲۴/۷) و شیراز (۲۴/۱) دارای بیشترین میزان و در داراب (۱۶/۳٪) از همه کمتر است. درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در این سنین در لار ۲۱/۲، و در آباده ۱۹/۰ است. در مقاطع سنی بعدی عموماً درصد مردان ازدواج نکرده در شیراز و لار بیشتر از شهرستان‌های دیگر است.

جدول ۶

آمار مردان هرگز ازدواج نکرده بالای ۳۰ سال به تفکیک شهر و طبقات سنی					
شیراز	آباده	داراب	نورآباد	لار	
۱۷۷۱۵	۷۰۷	۵۹۵	۵۷۷	۱۳۱۰	۳۰-۳۴ ساله
(۲۴/۰)	(۱۹/۰)	(۱۶/۳)	(۲۴/۷)	(۲۱/۲)	
۵۹۸۳	۲۴۲	۱۹۶	۱۶۹	۴۳۳	۳۵-۳۹ ساله
(۱۰/۷)	(۸/۴)	(۷/۱)	(۷/۹)	(۹/۳)	
۳۰۲۳	۱۰۳	۸۳	۶۵	۲۳۳	۴۰-۴۴ ساله
(۵/۶)	(۳/۶)	(۳/۲)	(۲/۷)	(۵/۶)	
۱۷۷۷	۸۳	۵۱	۲۱	۱۲۹	۴۵-۴۹ ساله
(۳/۷)	(۳/۱)	(۲/۳)	(۱/۲)	(۳/۶)	
۱۱۱۴	۳۳	۲۴	۶	۶۷	۵۰-۵۴ ساله
(۲/۶)	(۱/۴)	(۱/۲)	(۰/۴)	(۲/۲)	
۵۸۵	۱۶	۷	۱	۳۵	۵۵-۵۹ ساله
(۱/۸)	(۰/۹)	(۰/۵)	(۰/۱)	(۱/۵)	
۲۲۲	۱۸	۸	۶	۱۶	۶۰-۶۴ ساله
(۱/۰)	(۱/۶)	(۱/۰)	(۰/۹)	(۱/۰)	
۳۶۸	۱۵	۶	۵	۵۰	۶۵ ساله و بیشتر
(۰/۹)	(۰/۵)	(۰/۳)	(۰/۴)	(۱/۶)	

در جدول ۷ آمار زنان هرگز ازدواج نکرده را مشاهده می‌کنید، که طبق آن در سنین ۳۰-۳۴ سال درصد نسبی زنان هرگز ازدواج نکرده در شهرستان نورآباد (۲۱/۵ درصد) باز هم دارای بیشترین میزان است. شیراز (۱۷/۶ درصد) و لار (۱۷/۲ درصد) در مراتب بعدی قرار دارند. درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در این سنین در آباد و داراب ۱۴/۶ است که از همه کمتر است. در مقاطع سنی بعدی عموماً درصد زنان ازدواج نکرده در لار عموماً بیشتر از شهرستان‌های دیگر است.

دقت در ردیف‌های پایین جدول ۷ نکات دیگری را نیز آشکار می‌کند. اگر سنین ۴۵ سالگی و بالاتر را از دست رفتن فرصت فرزندآوری در نظر بگیریم در مقاطع سنی ۴۵ سال به بالا طبق جدول در مجموع ۶۴۰۷ نفر از جمعیت کل ۲۳۷۴۴۵ نفر زنان شیرازی در این سنین (معادل ۲/۷ درصد) فرصت فرزندآوری را از دست داده‌اند. علاوه بر این، بر اساس ارقام سه ردیف اول جدول در مجموع ۲۱۹۷۷ (معادل ۹/۲۵ درصد) از زنان شیرازی در سنین بین ۳۰ و ۴۵ سال هنوز ازدواج نکرده‌اند و در صورت ازدواج با تأخیر به مرحله فرزندآوری می‌رسند که فرصت کمی برای فرزندآوری خواهند داشت. در شهرستان لار نیز شاهد وضعیت تقریباً مشابهی هستیم، و در سه شهرستان دیگر این آمارها پایین‌تر است.

جدول ۷

آمار زنان هرگز ازدواج نکرده بالای ۳۰ سال به تفکیک سن و شهر

شیراز	آباد	نورآباد	لار	داراب	
۱۳۳۶۵	۵۴۶	۵۹۱	۹۳۸	۵۸۶	۳۰-۳۴ ساله
(۱۷/۶)	(۱۴/۶)	(۲۱/۵)	(۱۷/۲)	(۱۴/۶)	
۵۱۴۵	۲۳۹	۲۴۱	۴۳۷	۲۶۳	۳۵-۳۹ ساله
(۹/۴)	(۸/۱)	(۹/۸)	(۱۰/۸)	(۹/۷)	
۳۴۶۷	۱۵۶	۱۱۵	۳۷۰	۱۴۰	۴۰-۴۴ ساله
(۶/۶)	(۵/۱)	(۴/۸)	(۱۰/۰)	(۶/۱)	
۲۳۰۷	۷۹	۱۲۴	۲۴۵	۹۳	۴۵-۴۹ ساله
(۴/۹)	(۳/۱)	(۷/۴)	(۷/۹)	(۴/۵)	
۱۶۴۷	۵۱	۴۳	۱۴۵	۶۱	۵۰-۵۴ ساله
(۴/۰)	(۲/۳)	(۲/۸)	(۵/۳)	(۳/۲)	
۱۱۵۸	۲۹	۱۲	۹۷	۳۱	۵۵-۵۹ ساله
(۳/۶)	(۱/۶)	(۱/۲)	(۴/۲)	(۲/۲)	
۵۷۵	۱۳	۷	۳۳	۱۶	۶۰-۶۴ ساله
(۳/۱)	(۱/۱)	(۱/۰)	(۱/۹)	(۱/۶)	
۷۲۰	۲۲	۸	۶۷	۲۴	۶۵ ساله و بیشتر
(۱/۸)	(۰/۶)	(۰/۵)	(۲/۰)	(۱/۳)	

جدول ۸

میزان همبستگی بین نمره کل مقیاس آشنایی و درصد زنان ازدواج نکرده در سطوح سنی مختلف

کل زنان سال ۶۵	سال ۶۰-۶۴	سال ۵۵-۵۹	سال ۵۰-۵۴	سال ۴۵-۴۹	سال ۴۰-۴۴	سال ۳۵-۳۹	میزان آشنایی همسایگان
۰/۵۲	۰/۸۶*	۰/۵۲	۰/۴۵	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۳۶	ضریب همبستگی
۰/۱۸۰	۰/۶۸	۰/۹۱*	۰/۲۸	۰/۸۵*	۰/۶۱	۰/۱۹	ضریب همبستگی
۰/۷۷	۰/۵۸	۰/۰۲	۰/۴۱	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۰۶	ضریب همبستگی
۰/۹۴	۰/۳۲	۰/۹۰*	۰/۵۸	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۱۴	ضریب همبستگی
۰/۶۲	۰/۹۵	۰/۸۱*	۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۱۲	۰/۴۰	ضریب همبستگی
۰/۵۲	۰/۸۷*	۰/۷۲	۰/۱۲	۰/۷۳	۰/۱۲	۰/۴۰	ضریب همبستگی

*P < ۰/۰۵

**P < ۰/۰۰۱

به منظور یافتن پاسخی برای سؤال ۵ تحقیق مبنی بر اینکه میزان آشنایی همسایگان چه تأثیری بر نرخ ازدواج دارد باید آمارهای جداول فوق را با توجه به نتایج قبل تر درباره میزان آشنایی همسایگان با یکدیگر و نیز میزان انتخاب همسر از بین همسایگان مورد توجه قرار دهیم. چنانکه پیش تر در نتایج این پژوهش مشاهده شد، انتخاب همسر برای فرزندان از بین همسایگان در شیراز کمترین مقدار (۱/۶درصد) را داشته اما در آباده دارای بیشترین فراوانی (۵/۱۶درصد) است و در سه شهرستان دیگر سهم همسایگان حدود ۸/۶ درصد بوده است. به این ترتیب این یافته‌ها را می‌توان در جهت تأیید این فرض دانست که آشنایی بیشتر همسایگان به انتخاب بیشتر همسر از بین آنان و در نتیجه کاهش آمار افراد ازدواج نکرده می‌انجامد. چنانکه در شهرستان آباده که میزان آشنایی همسایگان نسبت به دیگر شهرها زیادتر است (رجوع کنید به نمودار ۱ شاخص‌های مختلف آشنایی همسایگان) میزان انتخاب همسر برای فرزندان از بین همسایگان بیشتر بوده و آمار دختران ازدواج نکرده در سنین مختلف کمتر از شهرستان‌های دیگر است (جدول ۹). اما در شیراز که یک کلان‌شهر است و آشنایی بین همسایگان کم است این وضعیت برعکس است.

میزان همبستگی بین نمره کلی مقیاس آشنایی و درصد زنان ازدواج نکرده در سطوح مختلف سنی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردید (جدول ۸). همانگونه که انتظار می‌رفت و در این جدول نیز مشاهده می‌شود میزان آشنایی با درصد زنان ازدواج نکرده در همه سنین دارای رابطه منفی است. این ضرایب بین ۰/۱۸- تا ۰/۸۶- متغیر بودند و برای کل سنین ۳۰ تا ۶۵ سال ۰/۵۲- است. اما بدلیل اینکه تعداد نمونه محدود است (۵ شهر) و معناداری ضریب همبستگی متأثر از تعداد نمونه می‌باشد،

با وجود اینکه ضرایب قابل توجه هستند تنها یک مورد از این ضرایب در سطح معناداری قرار دارد. همچنین بین آمار زنان ازدواج نکرده در سطوح سنی مختلف عموماً همبستگی مثبت و بالایی مشاهده می‌شود که میزان آنگاه بالغ بر ۰/۹۷ است. در این میان درصد زنان ازدواج نکرده در سنین ۳۰ تا ۳۴ سال با درصد زنان ازدواج نکرده در سطوح سنی دیگر عموماً دارای رابطه منفی است. در انتها نظری می‌افکنیم به آمار کلی زنان ازدواج نکرده در شهرهای مختلف استان فارس که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (جدول ۹). طبق اطلاعات مندرج در این جدول درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در مجموع در شهر لار (۹/۱۶٪) (از همه شهرهای دیگر بالاتر بوده و در مراتب بعدی شهرهای نورآباد (۷/۹۹٪) و شیراز (۷/۶۸٪) قرار دارند.

جدول ۹

تعداد و درصد نسبی زنان ازدواج نکرده در تمام سطوح سنی بین ۳۰ تا ۶۵ سال به تفکیک شهر

شیراز	آباده	نورآباد	لار	داراب	
۳۶۹۵۰۳	۲۱۳۴۱	۱۴۲۸۰	۲۵۴۶۸	۱۷۶۰۸	تعداد کل
۲۸۳۸۴	۱۱۳۵	۱۴۱	۲۳۳۲	۱۲۱۴	تعداد ازدواج نکرده
(۷/۶۸)	(۵/۳۲)	(۷/۹۹)	(۹/۱۶)	(۶/۹۰)	(درصد)

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آشنایی همسایگان در شهرهای مختلف و تأثیر آن بر همسریابی و ازدواج جوانان بود. فرض عمده مطالعه حاضر بر این بود که با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن اجتماعات انسانی روابط سنتی بین شهروندان به تدریج کم‌رنگ می‌گردد به گونه‌ای که شناخت شهروندان از یکدیگر کاهش یافته و این موضوع از جمله بر فرایند همسریابی افراد جامعه تأثیر منفی خواهد داشت زیرا شناخت افراد از یکدیگر به‌عنوان یکی از ضروریات تصمیم‌گیری در انتخاب همسر رو به کاهش می‌رود. ناشناخته ماندن افراد به‌خصوص دختران جامعه که به لحاظ محدودیت‌های فرهنگی و سنتی در انتخاب همسر نقش انفعالی دارند و باید در انتظار رسیدن یک مرد بمانند که از آنها خواستگاری کند، باعث از دست رفتن فرصت‌های ازدواج آنان خواهد شد.

بررسی این هدف با طرح چند سؤال تحقیقاتی دنبال گردید. یافته‌های تحقیق گویای آن است که به‌طور کلی بیشترین ظرفیت انتخاب همسر به ترتیب مربوط به اقوام نزدیک و اقوام دور است. این دو منبع در حدود ۶۵ درصد از فراوانی‌ها را در عمل به خود اختصاص داده‌اند. همچنین میزان انتخاب همسر از بین همکاران نیز قابل توجه بوده است. به عبارت دیگر، اشتغال به کار نیز فرصت مناسبی برای یافتن همسر است چرا که شانس شناخته شدن را افزایش می‌دهد. انتخاب همسر از بین همسایگان و یا به‌طور

تصادفی تقریباً به یک اندازه (هر یک ۸ درصد) بوده است. تغییرات الگوی انتخاب همسر در شهرهای مختلف نشان از تفاوت‌های فرهنگی در این باره دارد. چنان‌که مشاهده شد شهروندان کلان‌شهر شیراز کمترین انتخاب (۱/۶درصد) را از بین همسایگان داشته‌اند که خود گواهی بر ناشناخته ماندن دختران در آن دسته از محیط‌های اجتماعی دارد که بافت اجتماعی پیچیده‌تری دارند. اما در شهرهای کوچکتر مانند آبادیه انتخاب همسر از همسایگان (۵/۱۶درصد) بیشترین فراوانی را داشته، همچنین در سه شهرستان دیگر سهم همسایگان به‌عنوان منبع همسریابی حدود ۸/۶ درصد بوده است.

مقایسه الگوی انتخاب همسر در دو نسل والدین و فرزندان گویای آن است که گرایش به انتخاب همسر از بین خویشاوندان (بویژه اقوام نزدیک) افزایش یافته است. این در حالی است که می‌توان تصور کرد با گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و افزایش میزان دسترسی به رادیو و تلویزیون اطلاعات عمومی مردم در باره ریسک بیشتر این نوع ازدواج‌ها از لحاظ نقایص مادرزادی فرزندان هم بایستی افزایش یافته باشد؛ اما دلیل این ریسک‌پذیری احتمالاً نداشتن شناخت از غریبه‌ها در مقایسه با خویشاوندان است، البته فراهم شدن امکان آزمایش‌های ژنتیکی قبل از ازدواج را هم نباید نادیده گرفت. همچنین بخشی از یافته‌های تحقیق از دشواری همسریابی برای دختران در مقایسه با پسران حکایت داشت که این تفاوت به لحاظ آماری معنادار بود. البته این تفاوت طبیعی و در جهت مورد انتظار است، اما تفاوت معنادار در این خصوص بین شهر شیراز و دیگر شهرستانها را نیز باید در راستای فرض تحقیق مبنی بر ناشناخته ماندن بیشتر دختران در شهرهای بزرگی مانند شیراز دانست. نتایج تحقیقات در جوامع صنعتی نیز بر افزایش فاصله‌های اجتماعی در بین همسایگان دلالت دارد. روزنفیلد و توماس (۲۰۱۲) با تأکید بر این موضوع، اینترنت را یک عامل جایگزین در حوزه‌های مختلف اجتماعی از جمله همسریابی عنوان نمودند. با اینکه اینترنت در ایران در سال‌های اخیر گسترش زیادی یافته است اما هنوز شواهدی مبنی بر اینکه در انتخاب همسر نقش مؤثری ایفا نماید در دست نیست.

نتایج حاصل از بررسی میزان آشنایی و تماس همسایگان با یکدیگر نکات جالبی را نشان داد که در راستای تأیید فرض کلی این تحقیق مبنی بر ناشناخته ماندن دختران در شهرهای بزرگ است. چنان‌که دیدیم میزان آشنایی شهروندان شیرازی با همسایگان خود به‌طور معناداری کمتر از شهرهای دیگر بود. رجوع به نتایج نمودار ۱ نشان می‌دهد که حتی میزان آشنایی شهروندان شیرازی از نام همسایگان خود پایین‌تر از حد متوسط است، یعنی، عموماً افراد ده همسایه خود را با نام نمی‌شناسند. تفاوت‌های میزان شناخت شهروندان از همسایگان خود در بین شهرهای مختلف نیز درخور توجه است چون حکایت از تنوع قومی و بافت اجتماعی دارد. در شهرهای داراب و آبادیه به هر دلیل میزان آشنایی شهروندان با همسایگان خود بالاتر از سایر شهرها است. به عبارت دیگر، تعاملات اجتماعی بین همسایگان بیش از نقاط دیگر برقرار است. با توجه به نظریات جامعه‌شناسی مانند نظریه بورديو پیرامون سرمایه اجتماعی، روابط همسایگی یک زمینه مناسب برای بسط این سرمایه است که به‌طور خاص در حوزه ازدواج جوانان و

تسهیل همسریابی می‌تواند اثربخش باشد. اما به نظر می‌رسد که با توسعه شهرها و افزایش بیگانگی شهروندان با یکدیگر در شهرهای بزرگ، سودمندی این منبع رو به کاهش است که باید برای جبران آن راه‌کارهایی اندیشیده شود. توجه به ساز و کارهای مردم نهاد را باید از جمله این راه‌کارها به حساب آورد. همگرایی در امر اداره محلات و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های محلی برای اداره امور شهری را می‌توان به‌عنوان یکی از راه‌های قابل تأمل در نظر گرفت (نوغانی و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد این نوع همگرایی‌ها در بین همسایگان به افزایش ارتباطات اجتماعی شهروندان در محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی خواهد انجامید.

آمارهای زنان هرگز ازدواج نکرده طبق سرشماری ۱۳۹۰ نکات قابل تأملی را پیرامون ازدواج دختران گوشزد می‌سازد. با در نظر گرفتن سنین ۳۰ سال به بالا به‌عنوان سن تأخیر برای ازدواج دختران، آمارها نشان می‌دهد که در همه شهرهای مورد مطالعه درصد قابل توجهی از دختران با تأخیر در ازدواج روبرو هستند. بخشی از این آمارها تفاوت شهرهای مختلف با یکدیگر را نشان می‌دهد که می‌توان آنها را در رابطه با ارتباطات همسایگی تفسیر نمود. گرچه این تفسیر نمی‌تواند کاملاً یک دست و شفاف باشد، اما نکاتی را می‌توان از آنها استنباط کرد. مثلاً، درصد زنان هرگز ازدواج نکرده بین سنین ۳۰ تا ۴۵ سال در شهر شیراز و (همچنین در شهرستان لار) بیشتر از سه شهرستان دیگر بود. این نشان می‌دهد که دختران در این دو شهر ضمن اینکه شانس کمتری برای ازدواج دارند، همچنین در صورت ازدواج با تأخیر وارد مرحله فرزندآوری می‌شوند. یکی از عامل‌های این تأخیر ناشناخته ماندن افراد فرض شد که بعضی نتایج آن را تأیید می‌کند. چنانکه رابطه میزان آشنایی همسایگان با درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در تمام سطوح سنی منفی و معنادار بود. علاوه بر این، شاهد دیگر میزان بیشتر انتخاب همسر از بین همسایگان در بین شهروندان آواده بود که ارتباطات همسایگی قوی‌تری هم داشتند. متأسفانه تحقیقات دیگری که بتواند ما را در باره درستی یا نادرستی این نتایج کمک کنند در دست نیست.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که ملاک‌های افراد پس از ازدواج سخت‌گیرانه‌تر شده‌اند. هر چند علل این پدیده در محدوده اهداف پژوهش حاضر نبوده است اما به لحاظ نظری می‌توان عوامل مختلفی را در این رابطه مد نظر قرار داد که با به شناخت عوامل مرتبط با ازدواج جوانان کمک می‌کند. از جمله این علل می‌تواند تجربیات افراد در حین زندگی باشد که با گذشت زمان افزایش می‌یابد زیرا افراد از مرحله تصمیم‌گیری بر اساس احساس‌ها در شروع زندگی مشترک به مرحله واقع‌بینی انتقال یافته و نگرش آنان نسبت به ملاک‌های انتخاب همسر تغییر پیدا می‌کند. این تغییر در نگرش زنان و مردان به یک اندازه بوده و بین دو گروه تفاوت دیده نشده است. همچنین از این لحاظ در بین شهرهای مختلف شهرستان لار تفاوت معناداری را با سایرین نشان می‌دهد که هم در زمان ازدواج و هم بعد از ازدواج ملاک‌های سختگیرانه‌تری را داشته‌اند. میزان افزایش نیز در ملاک‌های شهروندان لاری بیشتر از سایر شهرستان‌ها بوده است، اگرچه این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نبود اما در مجموع گویای نگرش

متفاوت شهروندان در این شهرستان نسبت به ملاک‌های ازدواج است که می‌تواند ناشی از بافت اجتماعی متفاوت و جنبه‌های اعتقادی باشد.

سختگیرانه‌تر شدن ملاک‌های ازدواج همچنین می‌تواند گویای نوعی تجدیدنظر در ملاک‌های ازدواج تلقی شود. به این معنی که اگر افراد می‌خواستند از تجربه فعلی خود استفاده کنند احتمالاً ملاک‌های سخت‌تری را در انتخاب همسر به کار می‌گرفتند. این موضوع را با توجه به تأثیر تجربه بر زندگی و تصمیم‌گیری‌های افراد هم می‌توان بدیهی دانست، به این معنا که خواه ناخواه افراد با گذشت زمان در ملاک‌های خود تجدید نظر می‌کنند؛ و هم اینکه نشان از نوعی نارضایتی نسبی از ازدواج بدلیل فراهم نبودن شناخت کامل و دقیق از طرف مقابل در فرایند انتخاب همسر باشد. حالت دوم لزوم فراهم نمودن شرایط برای آشنایی بیشتر در بدو ازدواج را گوشزد می‌نماید.

نتایج این پژوهش در مورد سن مناسب برای ازدواج با نتایج پژوهش‌های قبلی مطابقت دارد. طبق نتایج تحقیق عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) که دیدگاه‌های دو نسل متوالی را پیرامون سن مناسب برای ازدواج بررسی کردند، هر دو نسل با اندکی اختلاف، سن حدود ۲۶ سالگی را برای ازدواج مردان و سن ۲۲/۱ سال (توسط مادران) یا ۲۳/۲ سال (توسط دختران) را برای ازدواج زنان مناسب دانستند که نشان می‌دهد دختران خودشان سن بالاتری را منظور می‌کنند. در این پژوهش نیز رقم‌های مشابهی برای سن مناسب ازدواج زنان و مردان از سوی پاسخ‌گویان ابراز شده است. با این وجود مشخص نیست که افراد مناسب بودن این سنین را به لحاظ شرایط موجود در نظر گرفته‌اند یا این سنین را ایده‌آل می‌دانند و یک محدودیت برای یافته‌های این تحقیق به حساب می‌آید. مسلماً به لحاظ فرهنگی و فیزیولوژیکی توصیه به ازدواج در سنین پایین‌تر بخصوص در مورد سن مردان است. به هر حال این موضوع می‌تواند از سوی محققان دیگر در آینده مورد توجه قرار گیرد.

همچنین طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور، متوسط سن ازدواج مردان ۲۵/۶ و متوسط سن ازدواج زنان ۲۲/۴ سال بوده است (امانی، ۱۳۸۰). این واقعیت با آنچه مورد نظر افراد جامعه است تطابق دارد اما به معنای وضعیت ایده‌آلی که آنان می‌خواهند نیست زیرا بر اساس یافته‌های مرکز آمار ایران، میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان از ۲۴/۱ سال در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۱۳۹۰ رسیده و برای زنان از ۱۹/۷ سال به ۲۳/۴ سال طی این دوره افزایش یافته است، و این روند افزایشی برای سال‌های بعد از ۱۳۹۰ نیز ادامه داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد افراد خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. به عبارت دیگر با توجه به فراهم نبودن امکانات تشکیل زندگی مشترک در سنین پایین‌تر آنان رفته رفته به سنین بالاتر رضایت می‌دهند. نتایج تحقیق صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) نیز در همین راستا بوده و گویای آن است که جوانان داشتن شغل و برخورداری مالی را اصلی‌ترین پیش‌شرط ازدواج می‌دانند. همچنین می‌توان در یک طیف گسترده‌تر این الگو را تابعی از یک نرم جهانی دانست، چنانکه در آمریکا نیز این تغییرات طی دهه‌های ۱۹۵۹ تا ۲۰۱۲ روند صعودی داشته است، بگونه‌ای که

میان سن زنان هنگام ازدواج از ۲۰/۲ به ۲۶/۱ و میان سن مردان از ۲۲/۵ به ۲۸/۳ افزایش یافته است (استرابودک و لاندی، ۲۰۱۶، ص. ۲۲۹). با این وجود سرعت این افزایش در ایران زیادتر بوده و به نظر می‌رسد عامل آن بحران‌های اقتصادی باشد.

نتیجه‌گیری

از نتایج این تحقیق و بحث فوق می‌توان دریافت که فرض کلی پژوهشی مبنی بر اینکه افزایش جمعیت و توسعه شهرها باعث کاسته شدن آشنایی همسایگان شده و بر همسریابی از بین همسایگان اثر منفی دارد، مورد تأیید قرار گرفت. این موضوع بویژه مشکل همسریابی دختران در شهرهای بزرگ و لزوم راه‌کارهای جایگزین را گوشزد می‌کند. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از تفاوت‌های فرهنگی در موضوع سن ازدواج و همسریابی است که از مقایسه بین شهرهایی با زمینه فرهنگی تا حدی متفاوت مانند لار با شهرستانهای دیگر برمی‌آید، که سن پایین‌تری را برای ازدواج جوانان مناسب می‌دانند. یا شهروندان آباده که به انتخاب همسر از بین همسایگان بیشتر تمایل دارند. از دیگر نتایج این پژوهش سخت‌گیرانه‌تر شدن ملاک‌های افراد پس از ازدواج است. تفاوتی بین تغییرات نگرشی زنان و مردان وجود ندارد. بر این اساس اگر افراد می‌خواستند از تجربه فعلی خود استفاده کنند احتمالاً ملاک‌های سخت‌تری را در انتخاب همسر به کار می‌گرفتند. این موضوع لزوم فراهم نمودن شرایط برای آشنایی بیشتر در بدو ازدواج را گوشزد می‌نماید. در مورد ملاک‌های ازدواج نیز شهرستان لار با توجه به زمینه فرهنگی بیشتر سنتی، تفاوت معناداری را هم در زمان ازدواج و هم بعد از ازدواج با سایر شهرها نشان می‌دهد که ملاک‌های سختگیرانه‌تری را ابراز داشته‌اند.

بررسی‌های آماری به عمل آمده نشان داد با گذشت زمان سن ازدواج در ایران افزایش یافته و نگرش‌ها به سن مناسب ازدواج هم با این افزایش خود را تطبیق داده‌اند. اما چیزی که تغییر پیدا نمی‌کند محدوده سنی فرزندآوری و باروری در دختران است. در نتیجه باید انتظار داشت در شرایط فعلی به تدریج رشد جمعیت کمتر شود. با توجه به دیدگاه‌های افراد یک عامل مهم در این زمینه در حال حاضر نابسامانی اقتصادی و بیکاری است که فرایند ازدواج را به تأخیر می‌اندازد.

این پژوهش به لحاظ حوزه جغرافیایی مورد مطالعه محدود به استان فارس بوده است. علاوه بر این درون این استان نیز به چهار شهرستان با حجم نمونه محدود پرداخته است. بنابراین در تعمیم نتایج باید جانب احتیاط را منظور داشت. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود محققان علاقه‌مند در این زمینه، استان‌های دیگر را با توجه به تنوع فرهنگی مد نظر قرار دهند و بویژه کلان‌شهر تهران که مورد خاصی از اوج ناآشنایی همسایگان با یکدیگر به حساب می‌آید، از لحاظ شیوه‌های یافتن همسر مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین در راستای نتایج این پژوهش، یافتن راه‌های جایگزین برای همسریابی جوانان در شهرهای بزرگ می‌تواند هدف پژوهش‌های آتی باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- اردلان، علی؛ سیدان، فریبا و ذوالفقاری، مصطفی. (۱۳۸۵). فرار زنان همسردار از منزل: بررسی عوامل مؤثر اجتماعی روانی. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۵(۲۱)، ۱۸۵-۲۰۴.
- اسماعیلی، رضا؛ قاسمی وحید و فخاری، سهیلا. (۱۳۸۸). مطالعه کمی و کیفی نقش مهاجرین کاری بر تنوع همسرگزینی شهر مبارکه؛ *علوم اجتماعی*، ۳(۷)، ۶۵-۸۶.
- امانی، مهدی. (۱۳۸۰). نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (از سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵)، *نامه علوم اجتماعی*، ۹(۱۷)، ۳۳-۴۶.
- جعفری مزدهی، افشین. (۱۳۸۲). عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران، *فصلنامه پژوهش زنان*، ۱(۵)، ۱۰۴-۸۳.
- رجبی، غلامرضا؛ ابراهیمی، نوبندگانی، مریم و خجسته‌مهر، رضا. (۱۳۹۰). مقایسه و رتبه‌بندی ترجیحات همسرگزینی در بین گروهی از دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کرد، عرب و بختیاری دانشگاه شهید چمران اهواز، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*؛ ۳(۴)، ۶۱-۷۴.
- رجبی، غلامرضا؛ فردوسی، سیما و شهیازی، مسعود. (۱۳۹۰). بررسی کفایت روانسنجی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر، *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، دوره ۱، ۱، ۵۶-۳۷.
- رفاهی، ژاله؛ ثنایی‌ذاکر، باقر؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و شریفی، حسن‌پاشا. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۹(۳۳)، ۳۱-۷.
- ساروخانی، باقر و مقریبیان، مریم. (۱۳۹۰). تجددگرایی و همسرگزینی تحقیقی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱۱ شهر تهران. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۲(۱۵)، ۴۳-۷۵.
- صادقی، رسول؛ قدسی‌علیم، محمد و افشارکهن، جواد. (۱۳۸۶). واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل. *پژوهش زنان*، ۵(۱)، ۸۳-۱۰۸.
- علیایی‌زند، شهین. (۱۳۸۱). ازدواج نامناسب بستری زمینه‌ساز برای روسپیگری، *رفاه اجتماعی*، ۲(۵)، ۱۱۹-۱۴۳.
- عسکری‌ندوشن، عباس؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول. (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۱(۴۴)، ۳۶-۷.
- قاسمی‌تودشکچویی، غلامرضا؛ معتمدی، مسعود؛ اسدالهی، قربانعلی و مالک، شیکا. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های انتخاب همسر داوطلبان ازدواج در بدو ازدواج و یک سال بعد از ازدواج. *فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۳(۱)، ۶۷-۷۴.
- کاوایی‌راد، مراد و ویسی، هادی. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران مطالعه موردی: دور نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره سوم، ۲۰-۱.
- منادی مرتضی. (۱۳۸۶). اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن: مقایسه دو نسل. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۸)، ۱۶۵-۱۳۱.

- موحد، مجید و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج. *مطالعات زنان*، ۴ (۱)، ۶۷-۹۹.
- موون جان سی و مینور میشل اس. (۲۰۰۶). رفتار مصرف‌کننده، عوامل بیرونی و درونی. ترجمه: عباس صالح اردستانی و محمدرضا سعدی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات اتحاد.
- نوغانی محسن، صدیق اورعی علیرضا و سالار علی. (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی همسرگزینی و تأثیر آن بر رضایت از زندگی زناشویی در بین مردان متأهل. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴ (۴۹)، ۱۷-۳۶.
- یوسفی علی، نوغانی محسن و حجازی مهلا. (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۱)، ۱۶۱-۱۳۸.

- Belot, M., & Francesconi M. (2006). Can Anyone be "The" One? Evidence on Mate Selection from Speed Dating. Retrieved from <https://www.essex.ac.uk/economics/discussion-papers/papers-text/dp620.pdf>.
- Bourdieu, Pierre (2001). *Masculine Domination*. Stanford: Stanford University Press.
- Buss, D. M., & Angleitner, A. (1989). Mate selection preferences in Germany and the United States. *Personality & Individual Differences*, 10(2), 1269-1280.
- Katz, James E. (1997). The social side of Information Networking. *Society*, 34, 9-12.
- Nie, N., & Hillygus D. S. (2002). The impact of internet use on sociability: Time-diary findings. *IT & Society*, 1, 1-20.
- Rosenfeld, M. J., & Thomas R. J. (2012). Searching for a mate: The rise of the internet as a social intermediary. *American Sociological Review*, 77(4), 523-547. Retrieved from http://web.stanford.edu/~mrosenf/Rosenfeld_How_Couples_Meet_Working_Paper.pdf.
- Sampson, R. J., Morenoff, J. D., & Gannon-Rowley T. (2002). Assessing neighborhood effects: Social processes and new directions in research. *Annual Review of Sociology*, 28, 443-78. Retrieved from <http://soc.annualreviews.org>.
- Sprecher, S., Sullivan, Q., & Hatfield, E. (1994). Mate selection preferences: Gender differences examined in a national sample. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66 (1), 1074-1080.
- Smaldino, P. E., & Schannk, J. C. (2011). Human mate choice is a complex system. Retrieved from http://smaldino.com/docs/MateChoice-Complexity-EarlyView_wSuppl.pdf
- Starbuck, G. H., & lundy K. S. (2016). *Familis in contest: sociological perspectives*. New York: Routledge. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=ezPvCgAAQBAJ&pg>.
- Wiedeman, M. W., & Allgeier, E. R. (1992). Gender differences in mate selection criteria: Sociobiological or socioeconomic explanation. *Ethology and Sociobiology*, 13, 115-124.